

کرزی می‌بالد و مردم می‌نالند

استاد (صباح)



سالهاست که بلبلان دیگر در افغانستان نمی‌خواند . آبخاران از ترنم ایستاده و چشمه ساران نمی‌جو شد . دیگر نغمه کبکان در کوهساران طنین انداز نیست . گویی طبیعت نیز با مردم افغانستان قهر کرده ، بمبارد مان ، غرش توپها و تانکها ، کشتن و بستن و بردن ، جنگ و ویرانگری ، قتل و غارت ، مصیبت و سیاه روزی ، گریه و شیون و چور و چیاول تنها افغانستان را از حالت یک نواختش بیرون میکند ، ولی همه چیز افغانها را با خود برده است .

برای هیچ کسی خارج از دایره قانون معافیت و تخفیف مجازات، نباید مورد اجرا باشد. اگر کسی مرتکب تخطی از حقوق بشر شده باشد و جرم وی بر اساس قانون و نهاد های عدلی افغانستان تثبیت شده باشد، دولت مکلف است که در مطابقت با قانون با او برخورد نماید: در ادارات دولتی هم اگر کسی موجود باشد، در پرتو تعهد حقوق بشری حکومت جدید با آنده از کسانی که در تصامیم شان تخطی های حقوق بشری صورت گرفته، بخصوص زمانیکه شکنجه و عذاب مطرح باشد و در سایر موارد هم، قانون باید تطبیق شود و عدالت به وجه بهترش عملی گردد.

تکه داران جهاد- چون ملا مارشال، تورن اسماعیل، رسول سیاف، یونس قانونی، بسم الله محمدی، دبل عبدالله، گل آقا شیرزی، امرالله صالح، عطا محمد نور، انوری، خلیلی، محسنی، اکبری، بصیر سالنگی، صلاح الدین ربانی، برادران مسعود... تلاش ها را آغاز کرده اند تا یک شورای مرکزی مجاهدین را ایجاد نمایند. سران مجاهدین می خواهند برای حفظ قدرت شان، یک نیروی مسلح جهادی را بسازند، و به همین هدف تاکنون چندین نشست را در کابل برگزار کرده اند. اسماعیل وزیر انرژی و آب در یک نشست در ولایت هرات گفت که برای دفاع از افغانستان یک شورای سراسری مجاهدین را تشکیل می دهد. شورای ملی، آگاهان سیاسی و مقامات امریکایی با این اظهارات اسماعیل خان مخالفت کرده و آن را به ضرر کشور دانستند.

والی بلخ میگوید: افغانستان متشکل از مجاهدین است، رئیس جمهور کشور و معاونین، برخی از اعضای کابینه و تعداد زیادی از قوماندانان های امنیه ولایات و مسئولین ارگان های امنیتی، مجاهد هستند و مجاهدین قابل تقدیر اند. اگر افتخارات جهاد را از آنها بگیرند، چیزی برای آنها باقی نمی ماند.

خصوصیات جهادی هابه هزینه های اضافی و عادت به چوروچپاول کشور وطن را تسلیم استخبارات کشور هامینماید. بعضی ها به این باور بودند که انتخاب ربانی به عنوان رئیس شورای صلح اشتباه بود زیرا استاد در گذشته بزرگترین گروه مخالف را در جنگ علیه طالبان رهبری می کرد، بنابر این مشکل است تا طالبان با این شورا حاضر به مذاکره شود. مشکل دیگر این شورا کثرت تعداد اعضای آن است که امکان توافق بر سر یک موضوع را دشوار می سازد. اختلاف نظر میان اعضای شورا در مورد صلح با طالبان نیز وجود دارد. افرادی در این شورا بوده که معتقدند طالبان جنایتکار است و نباید با این گروه صلح کرد. پس از کشته شدن ربانی به دست فرادی که گویا پیام آور صلح طالبان بود، صلاح الدین ربانی پسر ربانی به این سمت منصوب شد. خیلی از اعضای شورای عالی صلح از این که جوان کم سن و سالی در این سمت تعیین شده راضی نبودند زیرا به صورت سنتی رهبری جرگه و مذاکره در میان قبایل، کار ریش سفیدان تلقی می شود. از زمان تشکیل شورای عالی صلح، سؤال مؤثریت فعالیت های این شورا همیشه مطرح بوده است و کم نیستند کسانی که به این باورند باید این شورا منحل شود.

شورای عالی صلح چهره ظاهری و باطنی دارد که بیش تر پرده ای روی اهداف پنهانی آن گسترده است. در ظاهر امر عده ای عضو این شورا هستند که نام های آنان مشخص است و گاهی هم تشکیل جلسه می دهند اما این شورا اعضای دیگری هم دارد که هرگز در مجالس شورا حضور نمی یابند. اسامی این افراد در لیست اعضای رسمی شورای عالی صلح نیز وجود نداشته و حتی به آمدن آنان به کابل و یا حتی به افغانستان نیازی نیست. این برنامه به صورت دقیق تحت نظر معصوم استانکزی و با هماهنگی دفتر رئیس جمهور به پیش برده می شود. فقط استانکزی به رئیس جمهور در این مورد پاسخگو بوده و حتی رئیس شورای عالی صلح هم از آن بی اطلاع است. این مسئله موجب اختلاف میان صلاح الدین ربانی و استانکزی نیز شده است.

در لیست پنهان شورای عالی صلح سه گروه وجود دارد که نظر به دیدگاه شخص حامدکرزی به آن ها حقوق پرداخت می شود. گروه اول افراد رده های بالایی طالبان و حزب اسلامی هستند که به آن ها ماهانه مبلغ هفت هزار دالر پرداخت می شود. پنج هزار دالر به عنوان حقوق و دوهزار هزار دالر نیز به عنوان اجاره منزل و غیره. گروه دوم کسانی هستند که در سطح متوسط قرار داشته و ماهانه سه هزار دالر حقوق و هزار دالر بابت اجازه خانه به آن ها پرداخت می شود. گروه سوم نیز افرادی نسبتاً عادی هستند که ماهانه هزار دالر حقوق و پنجصد دالر به خاطر اجاره منزل دریافت می کنند.

و همچنان خیلی هادرین شورا ماهانه هزاران دالر معاش و چندین صد دالر به خاطر اجاره منزل دریافت می کنند. به عنوان مثال حقوق ربانی به عنوان رئیس شورای عالی فقط سه هزار و پنجصد دالر بود اما پس از انتصاب پسرش به این سمت، در حقوق وی افزایش به عمل آمد که ماهانه پنج هزار دالر حقوق دریافت می کند. اعضای شورای صلح از دوهزار و سه تادوهزار و پنجصد دالراز بودجه شورای عالی صلح معاش دریافت مینمایند پرداخت می شود.

هدف از این کار مشخص است؛ تغییر وضع اقتصادی و به تبع آن شرایط زندگی بهتر برای عده‌ای می‌تواند مشوقی برای دیگران باشد تا با شورای عالی صلح در تماس شوند. نتیجه این کار می‌تواند انتقال فساد اداری از دولت کابل به صف طالبان باشد و آمریکا هم چنین می‌خواهد.

زنگه‌ابه صدا می‌آید

پیشتر زنگ خطرها به صدا در آمده است. در گزارش بهار سال دوهزاردوازده با عنوان "از اربکی تا پولیس محلی" که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تهیه شده و بر پایه تحقیقی در دایره‌ای وسیع است، از این اظهار تاسف شده که حتی برنامه پولیس محلی دولت که هدفش جذب بعضی شبه‌نظامیان بوده با مشکلاتی توأم بوده است. با داشتن نرخ بی‌سودای بیش از نود درصد، شماری از اربکی‌هایی که پولیس محلی شده‌اند گروه‌های "مسلح غیرقانونی" اربکی و یا طالبان بوده‌اند. بر طبق این گزارش برخی استخدام شده‌های پولیس محلی "به خاطر اعمال جنایی" بدنام بودند، "پیشینه‌های جنگی بد" داشتند و "حتی قاتلان زنجیره‌ای" بودند. این باعث می‌شود که مردم اعتماد خود را به اربکی‌های پولیس شده و حتی به دولت از دست دهند.

کرزی در دهلی در پاسخ به یک سوال، حرف عجیبی زد که در هیچ چوب بستنی جور در نمی‌آید.

ایشان گفت: اگر فرض کنید دنامارک از فساد اداری در افغانستان انتقاد کند، من آنرا انتقاد سالم پنداشته و برای بهبود آن عمل خواهم کرد، اگر ناروی چنین انتقادی کند، می‌پذیرم، اما اگر امریکا انتقاد کند، شاید فقط به آن بخندم. رئیس جمهور کرزی حقیقت را با روش معکوس، بسیار به شفافیت توضیح می‌دهد. امریکا، بوجی بوجی دالر به ارگ فرستاد؛ به مقامات دولتی، قوماندانان و اعضای کابینه و پسران شان، قرارداد های لوژستیک عطا کرد؛ در برنامه های دی، دی، آر و دایاگ (جمع آوری اسلحه) به تمام ارکان دولت و تنظیم ها پول پرداخت. کوماندو های امریکایی مدت ها، ارگ را در دست خود داشتند تا به رئیس جمهور آسیبی نرسد. عملیات تبلیغاتی دامنه داری از سوی رسانه های امریکایی، راست و دروغ برای درخشان نشان دادن مشروعیت حکومت کرزی و «تنظیم ها» در سراسر جهان سازماندهی شد. همه این اقدامات فساد آور بودند. امریکا با این اقدامات وضعیت را به نفع حضور جامعه بین المللی در افغانستان به حالت تعادل نگهداشت. جنگ استراتژیک جهانی را در محور افغانستان با این مخارج که به جناح های مجاهدین و غیرمجاهدین داد، از خطرات آنی بیمه کرد تا آن که اینک پس از دوازده سال، ورق برگشته و دوستان «بن اول» دیگر به درد آینده نمی‌خورند و پشت میز عدالت آورده شوند. حال کرزی می‌خواهد بگوید که ما را این گونه زیر باران دالر و فساد غرق کردید، چه لازم است که آن را افشا می‌کنید؟ اصل رمز در همین جاست که نیویورک تایمز، و اداره تحقیقات «سیگار» چرا سعی دارند از حکومت، قوماندانان و معاونان رئیس جمهور، حساب بگیرند و از آنان بپرسند، غیر از این که با امکانات و دارایی های ملی در کشور و مردم خود درین سال ها، چه ها کرده اند، درین مورد هم توضیح بدهند که با پول های عملیاتی چه کردند؟ حقیقت آن است که مقامات و اصحاب قدرت، به عواقب پولسازی حشری و ظاهراً بدون پرسان، هیچ فکری نکرده بودند! اگر بحث حساب گیری و حسابداری شفاف آن همه پول های داده شده، به میان نمی‌آمد؛ رئیس جمهور کرزی نیز از «انتقاد» امریکا نسبت به شیوع فساد در دولت افغانستان به خنده نمی‌افتاد.

خنده کرزی، آن قدر هم از سر خوشحالی نیست، خنده تلخ و ملامت از نگرانی است. چون فقط ایشان می دانند که چه پرونده هایی در پس صحنه، از سوی نهاد های حسابرس بین المللی آماده شده اند که در موقعش به دست رسانه های می افتد. اگر رئیس جمهور از انتقادات امریکا برای حسابرسی و افشای فساد به «خنده» می افتد؛ چرا خود ایشان بعد از افشای نیویورک تایمز از سپرده های «پول اشباح» به ارگ، اعتراف و تشکر کرد و خواهان ادامه پرداخت محموله های پول سری به ارگ شد؟ به این چنین واکنش رئیس جمهور، آیا ما بخندیم یا فریاد تأسف بار سدهیم؟ مگر امریکایی ها به تشکرات رئیس جمهور و سپس خندیدن ایشان در برابر انتقادات منابع تحقیقاتی امریکا در مورد گسترش بی حساب فساد در حکومت و دولت افغانستان، آیا بخندند یا از خشم و شگفتی، دیوانه وار بر خود بیچند؟ مردم ما به هر دو سوی ماجرا می خندند و به حال خود تأسف می کنند که در چه وضعی گیر مانده اند. اتحادیه اروپا که دنمارک و ناروی عضو از مجمع آند، نسبت به غارت نزدیک به یک میلیارد دالر سپرده های مردم در «کابل بانک» بارها موضع گیری انتقادی داشته است، هیچ گاه انتقادات شان از سوی رئیس جمهور استقبال نشده است. انتقادات خشک و خالی دنمارک و ناروی در جرگه اتحادیه اروپا سبب نشده است که یک میلیارد دالر به خزانه کابل بانک برگردانده شود. رئیس جمهور باید از ناروی و دنمارک خوشحال باشد! باید از پیگیری نهاد های حسابرس امریکا به تشویب باشد! پی آمد تحقیقات امریکا که خیلی دقیق و مو به مو دنبال می شود، عاقبتی بسیار سنگین دارد که ما اگر زنده بودیم در آینده ای نه چندان دور، شاهد آن خواهیم بود.

هنوز اینها بر تداوم قدرت اصرار دارند

چندی قبل به ابتکار عطا محمد نور والی بلخ و تورن اسماعیل مذاکراتی بین اعضای ارشد جمعیت و شخصیت های مستقل و ملی در کابل براه انداخته شد. این مذاکرات به مدت یک هفته ادامه یافت که در خاتمه در نتیجه مطلوبی دست یافتند. در روز دوم مذاکرات والی بلخ به همراهی اسماعیل خان و صلاح الدین ربانی به ملاقات مارشال فهیم خان رفته و برایش و طور واضح و روشن خاطر نشان ساختند که دیگر وقت معامله گذشته و باید بالای یک کاندید واحد توافق کرد. در غیر آن با واکنش جدی ملت بزرگ تاجیک و بخصوص جمعیت اسلامی مواجه خواهند شد.

در روز سوم مذاکرات که در منزل صلاح الدین ربانی برگزار گردیده بود اتفاق نا خوشایندی افتاد. زیرا اسماعیل خان و تعدادی از مجاهدین و شخصیت های ملی از عملکردهای دوازده سال اخیر سران جمعیت اسلامی بخصوص برادران پنجشیر ناراض بودند و چنین استدلال می کردند که برادران پنجشیر در وقت تقسیم قدرت به جز خود، فامیل خود، ولسوالی و ولایت خود دیگران را نمی بینند و همه قدرت را به قبضه خود گرفته دیگران را فراموش می کنند.

اسماعیل خان چنین گفتند که به جز از امر صاحب تمامی پنجشیری ها بی اعتماد اند و خود خواه هستند و تنها در روز بد دیگران را میشناسند و اینها اشتباهات زیادی نمودند به عنوان مثال از آغاز اداره موقت پست های معاونیت اول ریاست جمهوری، وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت خارجه، ریاست عمومی امنیت ملی، وزارت حج، معاونیت اول وزارت دفاع، ریاست عمومی اداره امور، ریاست سره میاشت و غیره ادارت دولتی به برادران پنجشیری خطای بزرگی به حق دیگر تاجیکها بود و باید تمامی ولایت بخصوص هرات، بلخ، بدخشان، کابل و غیره در نظر گرفته می شدند. که نشدند و بزرگان دیگری مانند جنرال دوستم و محقق را از ما آزرده ساختند که تا اکنون اثرات منفی آن را می بینیم.

گویا انتخاب دو نفر به نمایندگی از تاجیکها از ولایت پنجشیر در کمیسیون مستقل انتخابات باعث نارضایتی اکثریت حاضر

در نشست گردیده بود. بیان این چنین سخنان امیر صاحب اسماعیل خان واکنش تند یونس قانونی را در پی داشت و محفل برای چند ساعت به تشنج کشانیده شد تا بلاخره والی بلخ و صلاح الدین ربانی مداخله نموده و اسماعیل خان را حق به جانب دانستند و گفتند که شما (پنجشیری ها) همه داشته های جهاد و مقاومت را به قمار زدید و حالا همه چیز تمام شده و شما دیگر نمی توانید به نمایندگی از تاجیکها صحبت کنید و یا کدام تصمیمی بگیرید. و در حکومت آینده همه باید سهم داشته باشند نه آنکه از یک ولسوالی و یا یک ولایت مشخص. اشتراک کنندگان مذاکرات اشخاص ذیل بودند:

عطا محمد نور

اسماعیل خان

احمدضیا مسعود

صلاح الدین ربانی

عبدالله

محقق

عرفان علی عرفانی

حضرت علی

احمد ولی مسعود

محمد یونس قانونی

سیدحسین انوری

نورالحق علومی

همایون شاه آصفی

سید علی کاظمی

اشراق حسینی

انجنیر محمد عاصم

فضل الکریم ایمان

فاضل سانچارکی (دروغ راجارک چارک باد می کند) ... برای ادامه قدرت و چپاولگری تاکید نمودند. با همه این بی اخلاقی، ناکارآمدی، روزتیری و بی مسوولیتی - کرزی همه جاسخن از وطن و خدمتگاری میزند و مردم باتنفر از عملکردهای وی دوران زمامداری اش را محکوم می نمایند.

بقیه کزیده های مقالات استاد صباح کلک نماید